



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۳/۱۳



عارف عباسی

بازی با مقدسات!



گر قلم برداشتی و نوشتی نباید جز حقیقت چیزی بگویی و از بیان حقیقت هرگز نباید بهراسی و دغدغه در دل ره دهی و نه وسواسی را بر افکار مستولی سازی، چه این قلم را تقدسی است و کرامتی، هر نوع بهره برداری غرض آلود از قلم تجاوزی است نا جائز بر حریم کرامت آن.

قلم بدستی را هم تقوایی در کار است. عدول از موازین اخلاقی قلم بدستی مظهر ضعف اعتقاد به این مسلک و یا هنر است و شکستن اصل برارنده تقوای فرضی آن است.

اگر اراده خالص و نیت مصفا بوده و در ابراز نظر جز خیر آدمیت منظور دیگر نهفته نباشد ولو که نوشته ات مقرون به واقعیت نباشد خاطرت پریشان مساز، چه ترا در نهاد، نیت سوئی نبوده، و واقعیت ها هم نسبی است و نه مطلق و اراده واقعی راست گویی بوده.

به ارتباط آن چه در بالا گفته آمد امروز در جامعه ما از دو اصل مقدس بی باکانه بهره برداری افزای صورت می گیرد، که یکی دین است و دیگری کلمه مقدس «ملی».

همه می دانیم که کتاب الهی کلام ذات ذوالجلال و الاکرام (ج) به نام قرآن مجید است، و احادیث مستند و مؤثق حضرت پیامبر (ص) ولی در تنوع اعمال، کردار و رفتار آن چه به نام اسلام در جهان تمثیل می گردد ما راه خود گم کرده ایم که اسلام واقعی را در وحشت و بربریت داعش بیابیم و یا در خون ریزی و ویرانی طالب، اسلام واقعی را در وهابیزم سعودی و یاران خلیجش بجویم و یا در شیعیزم آخذ های ولایت فقیه ایران.

نزد ممالکی چون سعودی، ایران و پاکستان دین یک حربۀ سیاسی و یک پایۀ نگهدارنده قدرت حکمروایی چیز دیگر نیست.

گرچه در امریکا و اروپا دین در عقب پرده نقش خود را در ساختار های سیاسی دارد که موضوع بحث فعلی نیست. در کشور هایی که در فوق تذکر رفت قدرت نظامی و بهره برداری از دین در استمرار قدرت متمم یک دیگر اند. اما در وطن ما جهالت و احساسات افراطی مردم زمینه این بهره برداری را گسترش داده و نهایت مساعد ساخته، نفوذ حلقات تندگرای دینی شیعه و سنی و استقلال کامل مؤسسات تعلیمی دینی (مدارس) خارج چوکات نصاب های تعلیمی دولت و اتخاذ تصامیم خود سرانه ملاها بدون حکم محکمه و مقررات شرعی در سنگسار نمودن و قتل مردم. بهره برداری سیاسی حلقات فاسد اجتماعی به صورت علنی از دین و امتیاز بخشیدن به خود تحت پوشش جهاد که نکرده اند و به پیشوایی و رهبری خود صبغه دینی بخشیدن.

قصی الہذا در عالم دنیایی و اسباب، بهره برداری های نا مشروع و ناجایز از ارزشهای معنوی اجتماعی که تقدس دارد و شامل سوء استفاده از ارزش والای «ملی» ست که در هر جامعه مشخصات و معیارهای خاص خود را دارا است. زعیم ملی، رهبر ملی، شخصیت ملی و قهرمان ملی هریک بذات خود مشخصات، خصائل، اوصاف و شایستگی های خود را دارد. با ارتباط مذاکرات جاری صلح بین طالبان و هیأت امریکایی به سر کردگی آقای «خلمی خلیلزاد» حکومت افغانستان تحت فشار قرار گرفته که اول لویه جرگه مشورتی را دائر و دوم برای مذاکرات با طالبان یک «هیأت ملی» را تشکیل نماید.

■ در مورد پیشنهاد اول گرچه در مؤثریت آن شک دارم گفتمی ندارم،

■ ولی تشکیل هیأت ملی در ظاهر مطلوب و دلپسند است که اگر واقعاً اعضای هیأت دارای خصائل، اوصاف، مشخصات و معیار های ملی باشند از این چه بهتر.

ولی آن چه تا حال دانسته شده وقتی فهرست نامزدان چنین هیأت را بررسی می کنید در ترکیب این هیأت ذواتی شامل اند که آثار و شمه ای از معیار های «ملی» در ایشان وجود نداشته از بعضی سجل کم و بیش چهل ساله و از دیگرانی هژده ساله شان

جز قتل و قتال، خون ریختن، غبن، خیانت؛ چور، چپاول، ظلم، استبداد و غصب مال مردم و بیت المال و اعمال منافی اخلاق و غیر ملی چیزی نبوده.

موضوع تأسف بار و درد آور و قلب شکن موقف تماشا گری و سیل "سیر" بینی سی و چند ملیون مردم است، نسل جوان، قشر منور، پیش تاز و مترقی را به جایش بمان، که اگر تو گویی اکثریت بی خبر اند، جاهل اند و در تاریکی اند چنین نیست، گلکار، نجار، آهنگر، دهقان و دکاندار حتی گدای لب سرک سلیرفون دارند در اکثر خانه ها رادیو تلویزیون است ولی همه در برابر این بازی های مزورانه در تعیین سرنوشت و مقدرات شان عاطل و بی تفاوت اند. پس در چنین احوال منتظر بود تا دستی از غیب آید و کاری بکند.



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.